

اکتور پروفس شروو

اندیشه‌های مزدیسنی در متون پارسی باستان

برگردان: دکتر جواد لطفی نوذری

فربا احاطی پور

آوای خاور

۱۳۹۵

اندیشه‌های مزدیسنی در متون پارسی باستان

نویسنده: اکتور پرودس شروو

مترجمان: دکتر جواد لطفی نوذری و فریبا حقیقی‌پور

طراح جلد: مهدی رادمهر

ناشر: آوای خاور

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست

مطبوعه: پیروز و صفحه آرایی: ادبیان

چاپ روز

صحافی و سید

قیمت: جلد شومیز ۱۵۰۰۰۰ ریال

www.avayekhavar.ir

info@.avayekhavar.ir

ISBN: 978-600-95387-8-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۸۷-۸-۲

حق چاپ برای مترجم اثر محفوظ می‌باشد.

مرکز پخش: تهران. بالاتر از میدان ولیعصر. کوچه فرخی پلاک ۲۱ واحد ۷.

Mobile: (+98) 930 554 0308

Tell: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 264 58

سرشناسه: شروو، پرودس او، ۱۹۴۴ م. Skjærvø, Prods O.

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه‌های مزدیسنی در متون پارسی باستان/نویسنده پرودس شروو؛

برگردان جواد لطفی نوذری، فریبا حقیقی‌پور.

مشخصات نشر: تهران: آوای خاور، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۶۲ ص

شابک: 978-600-95387-2

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نشده

یادداشت: عنوان اصلی: Avestan Quotations in Old Persian? Literary Sources of the

Persian Inscriptions. Old

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۵.

موضوع: زردشتی -- ایران

موضوع: کتیبه‌شناسی فارسی

شناسه افزوده: لطفی نوذری، جواد، ۱۳۶۰ - مت

شناسه افزوده: حقیقی‌پور، فریبا، ۱۳۴۶ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۸ الف ۴ ش / BL۱۵۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۰

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۹۳۵۸۳

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار.....
۸.....	زندگی‌نامهٔ سروش.....
۱۳.....	مقدمه [۱].....
۲۱.....	ایرانیان باستان و ادبیات آنها.....
۲۲.....	۲-۱. ترتیب زمانی پارسی باستان - اوستایی.....
۲۲.....	۲-۱-۱. پارسی باستان.....
۲۳.....	۲-۱-۲. زمان اوستا.....
۲۶.....	۲-۱-۳. مکان اوستا.....
۲۷.....	۲-۲. اوستا در «پارسی باستان».....
۲۸.....	۲-۲-۱. اوستا در ایران غربی.....
۲۹.....	۲-۲-۲. انواع متون.....
۳۰.....	۲-۲-۳. تفاوت‌های گویشی.....
۳۳.....	۲-۳. عباراتی از اوستا در ایرانی میانه.....
۳۴.....	۲-۳-۱. عباراتی از اوستا در کتیبه‌های ساسانیان.....
۳۵.....	۲-۳-۲. عبارتی از اوستا در متون سفدی.....
۳۷.....	۲. منابع رسمی کتیبه‌های پارسی باستان.....
۳۷.....	۳-۱. بن‌مایه‌های باستانی خاور نزدیک.....
۳۸.....	۳-۱-۱. پیروزی بر رقیبان بسیار در یک سال.....
۳۹.....	۳-۱-۲. مقایسه با اجداد و پیشینیان.....
۴۰.....	۳-۱-۳. اسناد جدید.....
۴۱.....	۳-۱-۴. کتیبه‌های ساختمانی.....

- ۴۱ ۳-۱-۵. منشأ قدرت شاهانه
- ۴۴ ۳-۱-۶. جانشینی
- ۴۵ ۳-۱-۷. خویشکاری حمایتی اهورامزدا
- ۴۹ ۳-۱-۸. خویشکاری سودبخشی اهورامزدا
- ۵۲ ۳-۱-۹. حفاظت از کتیبه‌های پادشاه جهت کسب لطف اهورامزدا
- ۵۸ ۳-۱-۱۰. فرمانبرداری شبانه‌روزی
- ۶۰ ۳-۱-۱۱. عیب از رودخانه
- ۶۴ ۳-۲-۱. بن‌مایه‌های موروثی
- ۶۴ ۳-۲-۱. نام اهورامزدا پادشاه
- ۶۷ ۳-۲-۲. خویشکاری حمایتی اهورامزدا
- ۷۲ ۳-۲-۳. خویشکاری حمایتی پادشاه
- ۷۴ ۳-۲-۴. جادوگران و ساحران
- ۷۶ ۳-۲-۵. کردار نیک، جزای نیک
- ۷۶ ۳-۳-۱. موارد احتمالی استفاده از عبارات اوستایی
- ۷۷ ۳-۳-۱. نام‌های پارسی باستان
- ۸۰ ۳-۳-۲. خویشکاری آفرینشی اهورامزدا
- ۸۵ ۳-۳-۳. بزرگی اهورامزدا
- ۸۷ ۳-۳-۴. پادشاه و اهورامزدا [۵۵]
- ۸۸ ۳-۳-۵. اهریمن = بوی بد
- ۸۹ ۳-۴-۱. موارد احتمالی عبارات اوستایی
- ۸۹ ۳-۴-۱. پرستش درست اهورامزدا
- ۹۳ ۳-۴-۲. خویشکاری پادشاه به عنوان برقرارکننده مجدد نظم (سیاسی)
- ۹۵ ۳-۴-۳. مسئولیت "اجتماعی - قضایی" پادشاه
- ۹۷ ۳-۴-۴. هدف به‌دینان
- ۹۹ ۳-۴-۵. ماندن در راه راست

- ۱۰۳..... ۳-۴-۶. پادشاه به مثابه نگاهبان راستی و مجازاتگر ناراستی
- ۱۰۴..... ۳-۴-۷. جدال علیه دروغ
- ۱۱۱..... ۳-۴-۸. خویشکاری "زیبایی شناختی" پادشاه
- ۱۱۷..... ۳-۵. آیا واژه‌هایی از اوستایی - پارسی باستان در عیلامی وجود دارد؟
- ۱۲۱..... ۱. نتیجه‌گیری
- ۱۲۳..... یادداشت‌ها
- ۱۴۵..... فهرست منابع

پیشگفتار

به هنگام بحث و بررسی شاهنشاهی هخامنشی یکی از مسائلی که همچنان مبهم و بحث‌برانگیز است و در بین ایران‌شناسان هنوز اجماعی درباره آن حاصل نشده است، دین شاهان هخامنشی است. عمده‌ترین سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود آن است که آیا دین شاهان این سلسله، زردشتی بوده است یا خیر؟

ایران‌شناسان به هنگام بحث درباره دین هخامنشیان، دین شاهان این سلسله را بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهند. درباره دین کوروش و کمبوجیه و زردشتی بودنشان دشواری‌هایی وجود دارد. نخست اینکه از دوران این دو پادشاه متن چندانی به پارسی باستان باقی نمانده است تا بتوان بر اساس رشته‌های ایرانی درباره دین آنها نظر داد. و از آنجا که اطلاعات ارائه‌شده از سوی هرودوت بیش از یک قرن پس از مرگ کوروش بوده است و تا حد زیادی یونانی شده‌اند، نمی‌توان آن را به اطمینان پذیرفت (پیر بریان، ۱۳۸۱: ۱۴۳). نکته دیگری که پژوهشگران درباره اعتقادات و باورهای دینی کوروش مطرح می‌کنند، مسئله زمان زردشت است. در صورت پذیرفتن تاریخ سنتی ارائه‌شده در سنن زردشتی که زمان پیامبر را ۲۵۸ سال پیش از آنکه در نظر می‌گیرد، زردشتی بودن کوروش منطقی و قابل دفاع نخواهد بود؛ چرا که در این صورت کوروش و زردشت تقریباً در یک زمان می‌زیسته‌اند (M. Boyce, 1983:1) و (نیولی، ۱۳۹۰: ۶۴). کلنز و نیولی زمان زردشت را سده‌ها پیش از تأسیس حکومت

هخامنشی می‌دانند (کلنر، ۱۳۹۱: ۳۸؛ نیولی، ۱۳۹۰: ۴۸). گویا بویس نیز زمان زردشت را سده‌ها پیش از کوروش می‌داند و دین او را قطعاً زردشتی می‌شمارد و علت روی آوردن شمار زیادی از مادها را به کوروش در جریان آخرین نبردش با آستیاگ زردشتی بودن مادها دانسته و این که آن‌ها برای پیروزی دین‌شان حاضر بودند از یک شورشی زردشتی سیاسی حمایت نمایند (M. Boyce, 1983: 2). دلیل دیگری که بویس برای زردشتی بودن کوروش ارائه می‌کند مبتنی بر داده‌های باستان‌شناختی و قطعات آتشدان‌های باستان‌شناخته در پاسارگاد است. او رویکرد دینی سخاوتمندانه کوروش را نسبت به اقوامی مانند یهودیان و بابلیان، نه برخاسته از نگرش دینی او که ناشی از مصالح سیاسی می‌داند و آن که کوروش نمی‌توانست باورهای شخصی خود را به شمار زیادی از زیردستانش که دارای نمسی باستان بوده‌اند، تحمیل نماید (ibid). اما برخی دیگر از پژوهشگران با رویکردی محتاطانه‌تر و با بیان این که پدران کوروش، آناهیتا را دینی پرستیدند درباره دین او و کمبوجیه به تردید سخن گفته‌اند (J. Curtis & N. Tallis, 2006: 150).

درباره داریوش با توجه به کتیبه‌ها و یادبودهای برجای مانده از او می‌توان با اطمینان بیشتری سخن گفت. تنها خدایی که داریوش در کتیبه‌هایش از آن یاد می‌کند، اهورامزدا است که خدای زردشت است. البته نباید فراموش کرد که اهورامزدا به عنوان خدای بزرگ در دین ایرانی باستان که در آن خدایان متعدد پرستیده می‌شدند نیز مورد احترام و تکریم بوده است (M. Boyce, 1983: 4). اهورامزدا در کتیبه‌های داریوش در کنار دیگر ایزدان و به عنوان بزرگ‌ترین آن‌ها مورد پرستش قرار می‌گیرد. بویس این چندخدایی را مغایر با آموزه‌های زردشت نمی‌داند و می‌گوید: «زردشت

گونه‌ای اصیل از پرستش خدایان متعدد را بشارت می‌داد که با تفکرات امروزی دربارهٔ این نوع پرستش متفاوت بوده است، بنابراین توسل به اهورامزدا به همراه ایزدان فرودست او که در واقع تجلیات او هستند؛ در ایزدشناسی زردشتی، درست است» (ibid). ابهام دیگری که دربارهٔ زردشتی بودن داریوش وجود دارد، آوردن واژه -baga در کتیبه‌هاست که در اوستا به ندرت در برابر -yazata که از ویژگی‌های بارز دین زردشتی است، قرار می‌گیرد. در اینجا نیز بویس با بیان این موضوع که روند جایگزینی واژگان خاص اوستایی عده‌ای سار به درازا کشید و در واقع تا متون اوستایی مکتوب نشده بودند، این جایگزینی به صورت گسسته صورت نگرفت، این ابهام را برطرف می‌سازد. او برای تبیین این ادعای خود دو سال دور دور ساسانیان می‌آورد: ۱- کردیر، بهشت را bayān gāh "جایگاه بغان" می‌نامید - معنای ساسانی یشت‌ها bayān yašt "پرستش بغان" نامیده می‌شود (M. Boyce, 1983: 5).

دیگر شاهی که از سوی بویس به عنوان «نیل» زردشتی بودن داریوش ارائه می‌شود، مربوط به نگاره‌های مقبره اوست: «در نقش‌ها در بالای در مقبره، داریوش محترمانه در برابر آتشدانی که شعله‌های افروخته دارد ایستاده است. در بالای سر او تصویری در دایره‌ای بالدار قرار دارد که در اینجا برای دو معناست: نمادی از فرّه کیانی و خورشید؛ در پشت آن نماد ماه اکدی قرار دارد که دافچه‌ایست با هلالی در حاشیهٔ تحتانی‌اش. در راست کیشی زردشتی نمازگزاران در برابر آتش دنیوی یا رو به خورشید و ماه نیایش می‌کنند. بنابراین داریوش خود را چون نمازگزاری در حال اجرای رایج‌ترین رسم زردشتیان به تصویر کشیده است. علاوه بر این چنین گفته شده است که شش نجیب‌زادهٔ پارسی که در دو سوی او به تصویر

کشیده شده‌اند و حامیان اصلی داریوش بوده‌اند، همچون شش امشاسپندی هستند که اهورامزدا را دربر گرفته‌اند؛ سه نجیب زاده مسلح در یک سو که بازتاب اِشه، بهمن و شهریر هستند و سه تن دیگر که غیرمسلح هستند و به حال سوگواری آیینی هستند زن یزدان آرمنیتی، خرداد و مرداد هستند» (ibid). او از آنجا که این بن‌مایه در مقابر نمایی پادشاهان پس از داریوش تکرار می‌شود، چنین نتیجه می‌گیرد که همهٔ جانشینان داریوش زردشتی بوده‌اند.

درخصوص دین خشایارشا نیز دشواری‌هایی وجود دارد. بر اساس آنچه هرودوت از لشکرکشی خشایارشا به یونان روایت می‌کند، نمی‌توان با قطعیت دربارهٔ دین خشایارشا سخن گفت. بر مبنای این روایات از سویی اعمالی نظیر امساک در پرخوری، همراهی شدن توسط مع اعظم، توفیقات مربوط به قوانین عملی طهارت مانند پرهیز از آلودن آب و کشتن خرنس‌تران را که آشکارا با موازین زردشتی همخوانی دارند، می‌توان دال بر زردشتی بودن او دانست. از سوی دیگر اعمالی مانند تازیانه زدن بر آب، همراهی شدن توسط هاتقان یونانی و بانی انسان و قربانی‌های انجام شده در فضای آزاد و قربانی‌های تقدیم شده به پست‌خون، زردشتی بودن او را رد می‌کنند (M. Boyce, 1983: 5-6) و (پیر بریان، ۱۳۸۱: ۵۶-۸۶۲).

نکتهٔ دیگری که در خصوص دین خشایارشا باید به آن اشاره کرد، کتیبهٔ دیو اوست. خشایارشا در یکی از کتیبه‌های خود (xph) که به کتیبهٔ دیو مشهور است، می‌گوید چگونه پرستشگاه‌های دیوان را نابود و پرستش اهورامزدا را در آنجا برقرار کرده است. این کتیبه را نیز عده‌ای از جمله بویس دلیلی بر زردشتی بودن خشایارشا دانسته‌اند (M. Boyce, 1983: 6). نیولی نیز با بیان این سخن که کتیبهٔ دیو

خشیارشا را بدون پیشینهٔ محکوم کردن دیوان در آیین زردشت نمی‌توان توضیح داد و اینکه در این کتیبه، خشیارشا صراحتاً از طرد پرستش خدایان دروغین سخن می‌گوید، آن را یقیناً مربوط به دوره‌ای می‌داند که دین زردشتی به دین رسمی هخامنشیان بدل شده است و دوران سازش و تلفیق در نظام روحانیت پیشین، پشت سر نهاده شده است (نیولی، ۱۳۹۰: ۶۸).

دیگر پادشاه هخامنشی که دربارهٔ دین او می‌توان سخن گفت، اردشیر دوم است. اردشیر دوم نیز مانند پیش‌بینان خود اهورامزدا را به عنوان خدای بزرگ می‌پرستد. اما آنچه او را از دیگر پادشاهان هخامنشی متمایز می‌سازد، یاری طلبیدن او از آناهیتا و میترا در کنار اهورامزداست. در واقع سی‌زبان گفت آن ایزدان دیگری که پادشاهان هخامنشی از آنان سخن می‌گفتند، احتمالاً همین دو ایزد و الهه هستند (پیر بریان، ۱۳۸۱: ۱۰۶۶).

با توجه به آنچه گفته شد اکثر ایران‌شناسان دین شاهان هخامنشی را زردشتی می‌دانند. بویس آنان را یقیناً زردشتی می‌داند. کلنر نیز شاهان هخامنشی را زردشتی دانسته، می‌گوید دین زردشتی هخامنشی الزاماً مزدیسنا نیست، بلکه یعنی آنچه در اوستای جدید آمده، بوده است (کلنر، ۱۳۹۱: ۳۸). نیولی ضمن آنکه شاهان هخامنشی را زردشتی می‌داند، معتقد است که تمامی شاهان این سلسله به نوعی چندخدایی از نوع مزداپرستی پس از زردشت پایبند بوده‌اند (نیولی، ۱۳۹۰: ۷۰).

در متن حاضر نیز شروو به بررسی کتیبه‌های پارسی باستان و همانندی آن‌ها با متون اوستایی پرداخته و سعی نموده است با ارائهٔ شواهد و قراین زبانی به حل این مسئله بپردازد.

این متن ترجمه‌ایست از مقاله بلند شروو با عنوان:

Avestan Quotations in Old Persian? Literary Sources of the Old Persian Inscriptions.

این مجموعه از دو جهت دارای اهمیت است. نخست آنکه به بررسی سرچشمه‌ها و الگوها، سبک نوشتاری کتیبه‌های پارسی باستان پرداخته است و در این زمینه جزو متون برجسته و مرجع به شمار می‌آید. دوم آنکه با بررسی همانندی‌های میان بندهای متعدد کتیبه‌های پارسی باستان و بندهای متناظر آن در اوستا به ارائه راهکاری زبانی برای مسئله مبهم دین شاهان هخامنشی و زردشتی بودن آن‌ها پرداخته است.

لازم به ذکر است که زندگی نامه شروو که در این اثر آورده شده است، ترجمه‌ایست از متنی که به قلم سیمز ویلیامز درباره شروو نوشته شده است.

مترجمان از سرکار خانم لیلا کیاشمشکی که رحمت تایپ متن دشوار این اثر را برعهده داشتند، بی‌نهایت سپاسگزارند.